

مطالعات ایرانشناسی در دانشگاه کنکوردیا: یک برنامه منحصر به فرد در کانادا*

امبرتو سیشیتی

ترجمه: مهدی پرواره^۱

چکیده

رشته مطالعات ایران دارای تاریخچه بلندی است. این علاقه، از زمان ساسانیان - هنگامی که ایرانیان به شناخت زبان باستانی تمدن خود گرایش پیدا کردند - تا علاقمندی چند جانبه غربیان به ایران در قرون ۱۸ و ۱۹ در اروپا ادامه یافته است. هرچند بسیاری از دانشمندان بر این باورند که حوزه تمدن ایرانیان، بسیار فراتر از اسلام بوده و به طور منطقی نیازمند برنامه مطالعاتی جداگانه می‌باشد اما مطالعات ایران در کانادا صرفاً به عنوان رشته‌ای فرعی قلمداد می‌شود و در زیر مجموعه برنامه‌های دیگر، مانند اسلام یا مطالعات خاورمیانه قرار می‌گیرد. در این مقاله به طور خلاصه تاریخچه مطالعات ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از آن به نقش و تأثیر دو عامل کلیدی در شکل‌گیری «آگاهی مطالعات ایران» در دانشگاه‌های کانادایی می‌پردازیم: ۱) شرایط اجتماعی - اقتصادی کانادا پس از جنگ جهانی دوم (۲) شکل‌گیری جمعیت ایرانیان مهاجر کانادا پس از انقلاب ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق. این توسعه و پیشرفت در فضایی رشد کرد که طی آن گروه آموزشی ادیان در دانشگاه کنکوردیا، واقع در مونترال کانادا، اولین برنامه مطالعات ایران را به طور مستقل بنیان نهاد. همچنین در این مقاله به بحث در مورد پیشینه حضور دانشمندان در این برنامه و رویکرد میان رشته‌ای آن نسبت به مطالعات ایران شامل ادیان، ادبیات، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر و معماری و همچنین به مهم‌ترین چالش‌هایی که برنامه مطالعات ایران با آن مواجه است خواهیم پرداخت. یکی از این چالش‌ها ایجاد روابط پایدار با نهادهای آکادمیک در ایران برای ایجاد روابط مستحکم‌تر با جوامع مهاجر می‌باشد.

واژگان کلیدی: مطالعات ایران، دانشگاه کنکوردیا، کانادا، زبان فارسی.

Iranian Studies at Concordia University: A Unique Program in Canada

Umberto Cicchetti

Translated by: Mehdi Parvareh²

Abstract

The discipline of Iranian studies has a long history, from Sassanian times, when the Persians themselves showed interest in recovering the ancient languages of their civilization, to the multifaceted Western interest in Iran in 18th and 19th-century Europe. In Canada, however, Iranian studies has been exclusively a sub-discipline, placed in other categories of research such as Islam or Middle East Studies, even though most scholars agree that the scope of Iranian civilization is much broader than Islam and logically requires a separate program. In this article, we briefly trace the history of Iranian studies. We then discuss the role and influence of two key elements in the formation of "Iranian study awareness" in Canadian academia: the socio-economic situation of post-WWII Canada and the formation of the Canadian Iranian Diaspora following the Iranian 1979 revolution and ensuing Iran-Iraq war. These developments shed light on the context in which the Religion Department of Concordia University in Montréal, Canada established the first independent Iranian study program in Canada. We will discuss the background of scholars participating in the program, its interdisciplinary approach to Iranian Studies embracing religion, literature, linguistics, sociology and anthropology, art and architecture, and the main challenges that the Iranian study program faces. One of these challenges is establishing lasting ties with academic institutions in Iran to match existing relations with Diaspora communities.

Keywords: Iranian studies, Concordia university, Canada, Persian language.

* این مقاله ترجمه‌ای است از: Umberto Cicchetti, "Iranian studies at Concordia

University: a unique program in Canada," *Islamic Perspective*, N. 3, 2010, pp 108-115.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز.

2. PHD Student of the History, Shiraz University. Email: me.parvareh@yahoo.com

بسیاری از محققان بر این باورند که حوزه تمدنی ایران بسیار فراتر از اسلام بوده و به طور منطقی نیازمند برنامه مطالعاتی جداگانه‌ای می‌باشد. در کانادا مطالعات ایران، صرفاً به صورت یک رشته فرعی می‌باشد و در زیر مجموعه سایر گروه‌های تحقیقاتی مانند مطالعات خاورمیانه و اسلام قرار می‌گیرد. نخست در این مقاله به طور خلاصه تاریخچه مطالعات ایران در کانادا را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از آن به نقش و تاثیر دو عامل کلیدی در شکل‌گیری «آگاهی مطالعات ایران» در دانشگاه‌های کانادایی که شامل شرایط اجتماعی - اقتصادی کانادا پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری جمعیت ایرانیان مهاجر در کانادا پس از انقلاب ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق می‌پردازیم. این توسعه و پیشرفت در شرایطی رخ داد که طی آن گروه آموزشی ادیان در دانشگاه کونکوردیا^۳ در مونترال کانادا، اولین برنامه مطالعات ایران را به طور مستقل بنیان نهاد. همچنین در این مقاله به بحث در مورد پیشینه حضور پژوهشگران در این برنامه و رویکرد میان رشته‌ای آن نسبت به مطالعات ایران شامل ادیان، ادبیات، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، هنر و معماری و مهم‌ترین چالش‌هایی که برنامه مطالعات ایران با آن روبرو است، خواهیم پرداخت.

علاقه به مطالعات ایران، حداقل به دوران ساسانیان (قرن ۳ تا ۷م) بر می‌گردد. در حال حاضر علاقه قابل توجهی نسبت به ریشه زبان‌های ایران در فرهنگ اویم^۴ دیده می‌شود که همراه با تلاش‌های طولانی مدت و پیچیده‌ای به منظور تدوین الفبای اوستایی^۵ بوده است. علاقه اولیه اروپاییان به ایران، شبیه به زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی (واژه‌شناسی) بود. در اوایل سال ۱۳۱۲ شورای کلیسای وین،^۶ ترجمه انجیل به فارسی را مورد حمایت و سرمایه‌گذاری قرار داد که در آن لزوم فهم کامل یک زبان ضروری به نظر می‌رسید، هر چند نتایج بدست آمده از وضوح کامل برخوردار نبودند. زبان فارسی همچنان موضوع اصلی تحقیقات مربوط به ایران باقی ماند و علاقه به این حوزه تا قرن بیستم ادامه یافت و در آثار نویسندگان مشهور دیده می‌شوند، چنانکه اثری از ویلیام جونز^۷ درباره گرامر زبان فارسی (که تا دهه ۱۹۵۰ در غرب مورد

-
3. Concordia
 4. farhang-I Oim
 5. Avestan alphabet
 6. the Church Council of Vienna
 7. William jones

استفاده قرار می‌گرفت) و ترجمه آنکتیل^۸ از قسمت‌هایی از کتاب زند اوستا^۹ به زبان فرانسه دو نمونه از این آثار می‌باشند. این تلاش‌ها، به عنوان قسمتی از پروژه عظیم تحقیقات جامع درباره تاریخچه اولیه نژاد هند - اروپایی بود که ایران، مرکز آن در نظر گرفته می‌شد.

اگرچه روایتی که شرق‌شناسان برجسته در مورد فرهنگ، گذشته و زبان ایرانی ارائه می‌دهند، روایتی یکسویه است، اما به تدریج سهم با ارزش خود ایرانیان در نوشته‌های این شرق‌شناسان را نشان خواهیم داد. میزان علاقمندی ایرانیان نسبت به آگاهی از فرهنگ خود با چشم اندازی تاریخی و انتقادی، اگر بیشتر از شرق‌شناسان نباشد کمتر از آنها نبوده است و حتی امروزه نیز این موضوع تقریباً حقیقت دارد. برای فهمیدن این واقعیت، تنها کافیست که به تلاش‌ها و موفقیت‌های ارزشمند محقق بزرگ، محمد توکلی طوقی^{۱۰} در زمینه بالا بردن آگاهی ایرانیان از سهم‌شان در مطالعات ایرانی اشاره کنیم. براساس نظر دکتر ادوارد سعید^{۱۱} در کتاب *شرق‌شناسی*، پرفسور توکلی طوقی، با موفقیت طرحی را با یک دیدگاه پویاتر از توسعه رشته‌های غربی، درباره مطالعات ایرانی ارائه نموده است.

کنجکاوی اروپاییان درباره زبان که توسط نظریه ارزشمند هند - اروپایی برانگیخته شده بود، نقطه عطفی برای توسعه مطالعات ایران بود. عامل دوم که نقش اصلی را در شکل‌دهی مطالعات ایران ایفا می‌نماید، تقسیم‌بندی آگاهانه‌ای است که توسط خود ایرانیان، تاریخ ایران را به دوران پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم کرده است: در ایران باستانی و اسطوره‌ای، تمرکز بر روی سلسله‌های سلطنتی قدیمی، زبان‌های باستانی، علم کتیبه‌خوانی، هنر و دین زرتشتی بوده و از سویی دیگر، در دوران اسلامی، تمرکز بر اسلام، عرفان و ادبیات فارسی (به خصوص شعر) بوده است. این موضوعات، به مقوله تحقیقاتی جداگانه در بسیاری از دانشگاه‌های اروپایی تبدیل شده و تقسیم‌بندی‌های میان آنها تا به امروز باقی مانده است.

تاریخچه مطالعات ایران در شمال آمریکا و خصوصاً در کانادا، نشأت گرفته از تاثیرات سیاسی اقتصادی و حضور در مجامع بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم بود. این دوران، زمان ورود قاره آمریکای شمالی به عرصه جهانی و همچنین انتقال دانش و متخصصین از اروپا به این دنیای جدید بود. بسیاری از محققان به کانادا مهاجرت نمودند و به اساتیدی فعال در دانشگاه-

8. Anquetil

9. Zend Avesta

10. Tavakoli-Targhi

11. Edward Said

های کانادا تبدیل شدند. آنها دانش کلاسیک اروپایی را به فرهنگ پویا و نوینی وارد نمودند که اقتصادی در حال پیشرفت داشت. از این پس مطالعات ایران، همانند سایر رشته‌ها در این قسمت از دنیا نشان از بهم آمیختگی شیوه کهن شرق‌شناسی با عقاید جدید دارد، پس تاثیرات و دگرگونی‌های آن در ادامه شرح داده خواهند شد.

دو موسسه اسلامی بزرگ کانادا، تحت عناوین «مطالعات اسلامی» وابسته به موسسه مک گیل^{۱۲} و موسسه «اسلامی» تورنتو^{۱۳} از تولیدات دانشگاهی در شرایط اجتماعی سیاسی شمال آمریکا و کانادا می‌باشند. این دو موسسه (که اولی توسط دین‌شناس تطبیقی برجسته کانادایی و محقق اسلام معاصر، ویلفرد کانتول اسمیت^{۱۴} پایه‌گذاری شده است)، از همان ابتدا تحت تاثیر هر دو جنبه مذهبی و فرهنگی اسلام قرار گرفتند. با وجود اینکه بسیاری از محققان، تمدن ایران را بسیار بزرگ‌تر از اسلام و یا دوران اسلامی می‌شناسند، مطالعات ایران، به عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل تاسیس نشده است، بلکه به عنوان رشته‌ای فرعی، در حوزه‌ای بزرگ‌تر تحت عنوان اسلام قرار گرفته است. به عبارت دیگر، الگوهای شرق‌شناسی بازسازی شده‌اند، چنانکه میان تمدن هند - اروپایی و ایران دوران اسلامی تفاوت و جدایی غیر قابل انکار و مشخصی قرار داده‌اند. تداوم تمدن ایران در این تقسیم‌بندی از میان رفته است. این الگو در بسیاری از موسسات آکادمیک در آمریکا تا به امروز ادامه یافته است؛ بنابراین، مطالعات ایران تا به امروز کم‌رنگ‌تر بوده است و تنها دو برنامه نه چندان بزرگ اما فعال در این باره یافته‌ایم.

دومین عامل که تاثیر عمده‌ای در مطالعات ایران داشته است، انقلاب ۱۹۷۹ و تهاجم به خاک ایران توسط عراق و تحمیل ۸ سال جنگ به این کشور می‌باشد. در این دوران بسیاری از ایرانیان وطن خود را ترک نموده و به کانادا مهاجرت کردند. پیش از این سال‌های سرنوشت‌ساز، جمعیت ایرانیان ساکن کانادا قابل ملاحظه نبود. آمارهای کانادا تعداد مهاجران ایرانی را از اوایل ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ تا ۱۹۸۰ بالغ بر ۵۰۰۰ نفر دانسته است. در اواسط دهه ۹۰ این جمعیت افزایش چشمگیری یافت و به ۶۰۰۰۰ نفر رسید. هم اکنون ایرانیان، به عنوان پنجمین گروه بزرگ مهاجران در کانادا حضور دارند که بیشتر در شهرهای تورنتو، ونکوور^{۱۵} و مونترال^{۱۶} سکونت

12. The McGill Institute for Islamic Studies

13. the Islamic of Toronto

14. Wilfred Contwell Smith

15. Vancouver

16. Montréal

دارند. نکته مهم‌تر اینکه، ایرانیان پس از آلمانی‌ها، دومین گروه مهاجران تحصیل کرده در کانادا هستند. جمعیت چشمگیری از مهاجران ایرانی به گروه‌های متخصصی نظیر مهندسان، پزشکان، وکلا و دندان‌پزشکان پیوستند. همچنین تعداد قابل توجهی از سرمایه‌داران و بازرگانان برجسته در میان این مهاجران قرار دارند. به عنوان دو نمونه از این موارد، خانواده خرماشاهی، مالک تجارت‌خانه «فیوچر شاپ»^{۱۷} یکی از بزرگترین و موفق‌ترین فروشندگان اتصالات الکترونیکی در کانادا می‌باشند و خانواده قیرمیزیان^{۱۸} (با تباری ایرانی آمریکایی)، بزرگترین مرکز خرید به نام «وست ادمنتن مال»^{۱۹} را در کانادا تاسیس کردند. جمعیت آگاه و تحصیل کرده ایرانی - کانادایی، رو به افزایش و موفقیت و پیشرفت می‌باشند که انتظاری جز ترویج علایق بیشتر نسبت به وطن خود از آنها نمی‌رود.

حضور جمعیت مهاجر ایرانی پس از وقایع ۱۹۷۹، نه تنها موجب علاقه رو به افزایش نسبت به فرهنگ، مذهب و تاریخ ایران شد، بلکه به نوعی عامل شکل دهنده آن نیز بوده است. تاثیرگذاری این جمعیت مهاجر، با سرعت و به صورت سازمان یافته‌ای ظهور نکرد تا آنجا که حتی در ابتدای امر، علاقه عمومی و مردمی جماعت ایرانی درباره فرهنگ پارسی، از سوی طبقه دانشگاهی نیز پاسخ مناسبی نیافت و به آن توجهی نداشتند. در سال ۲۰۰۸، مطالعات ایران (با تمرکز داشتن بر اسلام)، در دو موسسه کانادایی به عنوان رشته‌ای فرعی قلمداد می‌شد و در این میان، دانشگاه تورنتو بود که دیدگاه وسیع‌تری نسبت به ایران را اتخاذ کرد.

جو حاکم در کانادا درباره ایران، نسبت به ایالات متحده، دلپذیرتر به نظر می‌رسد، زیرا در آمریکا مطالعه و تحقیق، تابع دگرگونی‌های سیاسی می‌باشد. در چند سال گذشته، وضعیت زبان فارسی در سطح دانشگاهی از دید یکی از ناظران این چنین می‌باشد: با توجه به قطع روابط سیاسی میان ایران و آمریکا در سال ۱۹۷۹، تعداد افراد متقاضی ثبت نام در زبان فارسی در دانشگاه‌های آمریکا، به طور چشمگیری کاهش یافته است. از طرفی، تغییر قابل توجهی نیز در اهداف دانشجویانی که ثبت نام می‌کنند، ایجاد شده است. همچنین براساس گزارش‌ها، دولت آمریکا برای مطالعات ایران در زمینه فرهنگ و تاریخ، هزینه کمی پرداخت می‌کند، در حالی که، مطالعات ایران با اهداف استراتژیک شانس بیشتری برای دریافت بودجه دارند.

17. future shop

18. Ghirmizians

19. West Edmonton Mall

حضور جمعیت ایرانی، نقطه قوت درخشانی برای مطالعات ایرانی و خصوصا مطالعات ایرانی در معنای گسترده آن قلمداد می‌شود. همانطور که در بالا بیان شد، تاثیر این جمعیت برنامه‌ریزی شده و هدفمند نیست و دانشجویان علاقمند به این رشته، می‌بایست همچنان به رشته‌های دیگر نظیر مطالعات خاورمیانه، مطالعات اسلامی و یا در رشته مردم‌شناسی وارد شوند. یافتن محیطی مهیج برای تبادل افکار درباره ایران بسیار دشوار می‌باشد. اما افزایش میزان ثبت‌نام کنندگان ایرانیان در دانشگاه‌های آمریکا، به همراه افزایش تاکید دانشگاه‌های شمال آمریکا بر انطباق نیازهای دانشجویان و تعیین انجمن‌های قومی و نژادی (معروف به مطالعات قومی)، مسیر را برای ایجاد صحیح پروژه‌های مطالعات ایران گشوده است. البته در اینجا تأمین مخارج نقش مهمی را ایفا می‌کند. در بالا به دو مرکز فعال در زمینه مطالعات ایران در ایالات متحده اشاره شد که (یکی در دانشگاه مریلند^{۲۰} و دیگری در اروین^{۲۱} در دانشگاه کالیفرنیا) به طور گسترده‌ای، مطالعات ایران را پرورش داده‌اند، زیرا محققان آنها اغلب ایرانی بوده و یا حمایت مالی ایرانیان باعث چنین دیدگاهی می‌شد. مطالعات ایران، تحت تاثیر حضور و تلاش‌های خود ایرانیان بوده و حتی می‌توان گفت که از این طریق به وجود آمده است.

برنامه تازه تاسیس مطالعات ایران در دانشگاه کونکوردیا - که اولین نمونه از نوع خود در کانادا است - این تاثیر را به خوبی نشان می‌دهد. این پروژه نشان دهنده ابتکار مشترکی میان دکتر ریچارد فولتز^{۲۲} فارغ التحصیل دکترای ایرانشناسی از هاروارد، و دین‌شناسی به نام دکتر لیندا کلارک^{۲۳} فارغ التحصیل دانشگاه مک‌گیل می‌باشد. البته جامعه بزرگ و فعال ایرانیان مقیم کانادا و مونترال در آن حضور دارند و همچنین مطابق علاقه رو به افزایش دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی در مورد مطالعات ایران می‌باشد. هدف از این برنامه، درک جامع و میان رشته‌ای از تمدن ایرانی، به عنوان موجودیتی مستقل با جلوه‌های متفاوت می‌باشد که از زمان پیش از اسلام تا دوران معاصر را دربر گرفته و جنبه‌های مختلفی مانند زبان، هنر و علوم اجتماعی را شامل می‌شود. حوزه گسترده تحقیقات مربوط به ایران و آموزش آن در دانشگاه کونکوردیا، نشان دهنده تاثیر بسیار زیاد و گسترده تمدن ایران بر سایر فرهنگ‌های مختلف در دنیا است که از بالکان تا هند و چین، گستره‌ای چندین هزارساله را دربر می‌گیرد. غالبا پروژه‌های میان رشته‌ای،

20. University of Maryland,

21. Irvine

22. Dr. Richard Foltz

23. Dr. Lynda Clarke

در دانشگاهی شکل می‌گیرد که در آن پژوهشگران، علائق گوناگونشان را در رشته‌های همسایه و مرتبط جستجو می‌کنند. در سال ۲۰۰۵، پروفسو فولتز به استخدام دانشگاه کنکور دیا در رشته ادیان درآمد تا ضمن تقویت پروژه مطالعات ایران، افراد مختلفی را دور هم جمع نماید تا با تلاش گروهی موجب توسعه برنامه‌ای استراتژیک گردد. درک این موضوع ضروری است که اگرچه ابتکار عمل این پروژه توسط دپارتمان ادیان انجام گرفته است، اما پروژه صرفاً به آنجا تعلق ندارد و مذهب نیز تنها موضوع مورد توجه آن نیست. از این گذشته، مطالعات ایران، یکی از برنامه‌های میان رشته‌ای متعدد در دانشگاه‌ها می‌باشد، همانند مطالعات ایرلند که بعدها به آن خواهیم پرداخت. محققانی که در حال حاضر در دانشگاه کنکور دیا به مطالعات ایران می‌پردازند از این قرارند: دکتر لیندا کلارک دین‌شناس، که در مطالعات مذهب شیعه اثنی عشری شرکت دارد؛ دکتر ریچارد فولتز، مورخ فرهنگی و متخصص در امور ایران؛ دکتر هما هودفر،^{۲۴} مردم‌شناس که نه تنها درباره مصر و ایران مشغول به کار بوده، بلکه به همراه دکتر کلارک نیز علاقمند به کار در زمینه جنسیت است؛ دکتر پیتر ریست،^{۲۵} در دانشکده معروف سینمای کنکور دیا، متخصص در مورد سینمای جهان سوم و ایران می‌باشد؛ دکتر روزماری مونتاین،^{۲۶} موسیقی‌شناس، با علاقمندی شگرف به موسیقی کلاسیک ایرانی؛ دکتر جیمز دیواین،^{۲۷} متخصص در سیاست خلیج (فارس) و همچنین حضور در دپارتمان زبان‌شناسی؛ دکتر مارک هیل،^{۲۸} متخصص در مورد زبان‌های قدیم ایران؛ دکتر آنت تفلنر،^{۲۹} پژوهشگر در زمینه زبان‌شناسی هند اروپایی. دکتر ریچارد فولتز، در این برنامه از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا با رویکرد گسترده خود بر تمدن ایران، موجبات درک ارزشمندی از آن را فراهم آورده است. از میان آثار منتشر شده از دکتر فولتز می‌توان به *ادیان جاده ابریشم*^{۳۰} و *معنویت در سرزمین باشکوه*^{۳۱} اشاره نمود که هر دو کتاب سهم ایرانیان در فرهنگ جهان را برجسته می‌کنند. این کتاب‌ها به زبان‌های مختلف، از جمله فارسی ترجمه شده و تحت عناوین *دین‌های جاده ابریشم* و *گذار دین‌ها از ایران زمین* به

24. Dr. Homa Hoodfar

25. Dr. Peter Rist

26. Dr. Rosemarie Mountain

27. Dr. James Devine

28. Dr. Mark Hale

29. Dr. Annette Tefeteller

30. Religions of the Silk Road

31. Spirituality in the Land of the Noble

چاپ رسیده‌اند. نسخه فرانسوی معنویت در سرزمین باشکوه، با عنوان *دین‌های ایران: پیش از جمهوری اسلامی*، که اولین جلد از مجموعه جدید با نام مطالعات ایرانی است، وابسته به مرکز مطالعات ایران در دانشگاه کونکوردیا و از طریق انتشارات دانشگاه لاول^{۳۳} به چاپ رسیده است. سایر جلدهایی که تحت بررسی قرار دارند، به ادیان و اساطیر باستانی ایران می‌پردازند.

مطالعات ایران در دانشگاه کونکوردیا در چند سال گذشته که در زمره‌ی تحصیلات دانشگاهی قرار گرفت، پایه اولیه‌اش در دپارتمان ادیان بود و بعداً به قسمتی از این دپارتمان تبدیل شد. موضوعاتی که دانشجویان به آن می‌پردازند شامل (در اینجا به مثال‌های کمی اشاره می‌نماییم) عرفان در سینمای معاصر، تفکر شیعه، تفسیر مثنوی و اصلاحات قانونی می‌باشد. ارائه یک رشته فرعی در مقطع کارشناسی، برای اولین بار در سال تحصیلی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸ صورت پذیرفت. اما یک رشته فرعی در نهایت باید به رشته‌ای اصلی تبدیل شود. هدف برنامه، ارائه تحصیلات چند رشته‌ای برای دوره لیسانس می‌باشد که در طی آن دانشجویان برای تحصیلات تخصصی‌تر همسو با برنامه‌های ارائه شده در دوره لیسانس در دانشگاه‌های غربی آماده شوند که این برنامه‌ها شامل مطالعات آسیای جنوبی، مطالعات آلمان، مطالعات یهود و مطالعات خاورمیانه می‌باشد. واحدهای ارائه شده در این زمینه در سال اول تحصیلی شامل حوزه‌هایی چون مذهب، مردم‌شناسی، تاریخ، به طور مثال درباره آیین زرتشتی، آیین شیعه، فرهنگ جوان خاورمیانه (با تاکید بر ایران) و تاریخ پیش از اسلام و از جمله تعاملات با یونان می‌باشد.

البته همانند هر ماجراجویی جدیدی، برنامه مطالعات ایران با چالش‌های متعددی روبرو است که نیازمند کار بر روی آنها با همکاری سایر موسسات آکادمیک و حمایت جوامع علمی می‌باشد. من در اینجا مایلیم تا به برخی از این موارد بپردازم. اولین موضوع، زبان فارسی می‌باشد. اهمیت زبان فارسی بسیار زیاد می‌باشد. در گذشته دانشگاه‌ها، واحدهای محدودی در مورد فارسی کلاسیک و متون فارسی ارائه می‌کردند و به تازگی آموزش زبان‌های باستانی نظیر سغدی، آغاز شده است. اما این ظرفیت نیازمند توسعه است، تا با تغییرات تمام وقت در زبان و ادبیات فارسی هماهنگ باشد. این موضوع به منظور جذب مخاطب بیشتر، نیازمند ارائه دوره ترجمه ادبیات فارسی می‌باشد، همانند آنچه که به تازگی در مورد ادبیات چینی و عربی انجام می‌شود. دومین چالش، در حقیقت نوع دانشجویانی بود که این برنامه انتظار جذب آنها را داشت که شامل دانشجویان در حال تحصیل و فارغ التحصیل می‌شود. دانشجویان ایرانی، جمعیت

کثیری از علاقمندان به تحصیل در مطالعات ایران را تشکیل می‌دهند و این موضوع هم‌اکنون در دانشگاه کنکوردیا دیده می‌شود. از آنجا که تمدن ایرانی یک فرهنگ جهانی است و فراتر از آن به واسطه استقرار ایرانیان در جوامع و ملت‌های غربی و شکوفایی‌شان، این برنامه نیازمند ایجاد جذابیت برای دانشجویان غیر ایرانی نیز می‌باشد.

تاسیس رشته جدید آکادمیک، یکی از اهداف و چالش‌های اولیه می‌باشد. مطابق ماهیت میان رشته‌ای پروژه، هدف، استقرار یک رشته‌ی پایدار و اثرگذار در هنر و تاریخ ایران معاصر است. با تغییر فزاینده منابع تامین مخارج دانشگاه‌های کانادایی به بخش خصوصی، این رشته را باید با استفاده از نهادها و افراد علاقمند به فرهنگ ایران مورد حمایت قرار داد، همانند برنامه‌هایی که در سایر دانشگاه‌ها از سوی گروه‌های مذهبی و نژادی مورد حمایت قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، رشته مطالعات ایرلند در دانشگاه کنکوردیا (که همانند مطالعات ایران به عنوان رشته‌ای فرعی آغاز به کار نموده و ظرف مدت کوتاهی به صورت یک مرکز مطالعاتی مستقل در آمد) با حمایت اعضای انجمن ایرلندی، به رشد و گسترش مداوم و تدریجی خود ادامه می‌دهد. کانادا، کشور فرهنگ‌ها و مهاجران مختلف است و این جماعت‌های جدید می‌توانند از طریق دانشگاه‌ها، آگاهی از فرهنگشان را در میان جوانان خویش و سایر گروه‌ها رشد دهند.

یکی دیگر از چالش‌های بسیار مهم برای مطالعات ایران، مهیا کردن یک تجربه و تماس وسیع با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در خود ایران می‌باشد. هرچند این مساله کاملاً ضروری نیست و این برنامه دارای اولویت معینی می‌باشد که همان مطالعه کشورهای خارجی، مشخصاً از طریق تجربه کلاسی است. بدون تماس با خود ایران (در اینجا تعریف از ایران تعریفی گسترده می‌باشد که شامل کلیه مناطق فارسی زبان می‌شود) دانشجویان و اساتید، در خطر افتادن به روش‌های قدیمی و یا شیوه‌ها و نقطه نظرات شرق‌شناسان قدیمی می‌باشند. دانشگاه کنکوردیا برای رسیدن به این هدف، تا حد قابل توجهی در امر اعزام دانشجو موفق عمل نموده است. در چند سال گذشته، ۴ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و دکترا برای تقویت زبان و دانش عمومی خود در زبان فارسی به ایران سفر نموده‌اند و بسیاری دیگر در حال انجام اینکار می‌باشند. هنوز نیاز به ایجاد برنامه شناور اما دائمی زبان با همکاری پیوسته موسسات ایرانی احساس می‌شود. این تبادل اطلاعات، بایستی به صورت برنامه‌ریزی شده صورت گیرد تا دانشجویان بیشتری را مورد حمایت قرار داده و تجربیات با ارزشی را برای آنها فراهم آورد.

یکی از موانع برای فراهم آوردن تجربیات مستقیم محلی (در محل) برای فارغ التحصیلان و دانشجویان کارشناسی ارشد، مسأله هزینه‌ها می‌باشد. بسیاری از دانشجویان به دنبال موقعیتی هستند که بتوانند چند ماه را در ایران بگذرانند تا مهارت‌های زبانی خود را تقویت نمایند، اما در اغلب موارد به دلیل هزینه‌های بالا برای تحصیل در یک کشور خارجی، از تصمیم خود منصرف می‌شوند. این مشکل، تا حدی توسط دولت کبک^{۳۳} کاهش یافته و طرحی با عنوان فرانسوی «موبیلیتی»^{۳۴} ارائه داده است که هدف از آن، تشویق مطالعات بین‌الملل، با استفاده از تعدیل هزینه‌های دانشجویان در تمامی سطوح موسسات کبک می‌باشد. کلیه دانشجویانی که به این منظور به ایران سفر می‌نمایند، از این طرح و یا از سایر کمک هزینه‌های تحصیلی بهره‌مند می‌باشند. با این حال، هنوز هم نیاز به همکاری و افزایش سطح پرداخت از طریق کمک هزینه‌های تحصیلی وجود دارد. یکی از این نمونه‌ها، موسسه هندی - کانادایی شاستری^{۳۵} می‌باشد که با انجام مطالعات خارجی، ارتباطات میان هند و کانادا را تقویت می‌کند.

در حقیقت این تبادلات باید دو جانبه باشد. در چند ماه اول به وجود آمدن این ارتباطات، بخش مطالعات ایران توانسته است دست‌کم، پشتیبانی از یک سخنرانی را با همکاری یک محقق برجسته (جامعه‌شناس) از ایران مدیریت کند و یک محقق ایرانی متخصص در مطالعات دینی را به عنوان دستیار پژوهشی منصوب کند. به هر حال باید بر مشکلات سیاسی چیره گشت. اولین ویزیتور (visitor)، تنها به دلیل حضور خانواده در این کشور، قادر به سفر به آنجا شد و اما دومین نفر تا حالا که این مقاله نوشته می‌شود، با وجود انتصاب به عنوان دستیار پژوهش، موفق به اخذ ویزا نگردیده است. این مشکل آزار دهنده، توسط یکی از دستیاران پژوهش مورد اطلاع‌رسانی عمومی و اعتراض رسمی قرار گرفت و مدیران این پروژه می‌کوشند تا همه امکانات لازم را برای جلوگیری از آسیب رساندن محدودیت‌های سیاسی به پژوهش بکار گیرند.

همچنین سفر غیرمستقیم از کانادا به ایران نیز مشکلاتی دارد. با این وجود دو پروفیسور از دانشگاه کونکوردیا که به مطالعات ایران مشغول می‌باشند، اخیراً در سمینارهایی حضور یافته و به سخنرانی در خارج از کشورشان پرداخته‌اند: دکتر ریست در زمینه مطالعات سینما در جشنواره

33. Quebec

34. Mobilité

35. Shastri

فیلم فجر حضور داشت و دکتر فلوتز در زمینه ادیان، مقالات و کنفرانس‌های عمومی موفقی در مورد تمدن و مذهب و بوم‌شناسی ایران داشته است.

با توجه به استقرار یک شبکه قوی و پایدار با نهادهای ایرانی در چند سال گذشته، تعدادی از دانشگاه‌های ایران پروژه‌های مشترکی با هم‌تایان دانشگاهی بین‌المللی خود آغاز نموده‌اند. این پروژه‌ها از سوی ایرانیان بسیار موفق و مقبول تلقی شده است. با این حال، بسیاری از آنها همچنان شامل برنامه‌های تکنولوژیکی و علمی می‌شوند (با هدف آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم و در مورد دانشگاه کنکوردیا که در اقدامی جداگانه از مطالعات ایران در جستجوی چنین ارتباطی می‌باشد). نمونه‌های مشابه می‌تواند جهت تاسیس برنامه‌های دوجانبه مورد استفاده قرار گیرد که مطابق آن، دانشجویان ایرانی می‌توانند مدتی را در کنکوردیا سپری نمایند و بالعکس.

پروژه بلند مدت دیگر، مجلات و انتشارات مشترک به هر دو زبان انگلیسی و فارسی می‌باشد که می‌تواند به عنوان ویتربینی از کمک هزینه‌های تحقیقاتی ایرانیان به مخاطبان غربی خود باشد. هدف از این کار، مقابله با انزوای علمی است که در آن بسیاری از آثار ارزشمند در زمینه مطالعات ایران چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی در دسترس سایر مخاطبان قرار نمی‌گیرد. ایجاد شبکه‌ای ارتباطی از طریق انتشارات مشترک، به ارتقای سطح آگاهی درباره آثار و تلاش‌ها و اهداف آکادمیک هر دو طرف کمک خواهد نمود.

در نتیجه، چالش‌ها و اهداف پروژه مطالعات ایرانی در دانشگاه کنکوردیا در زمینه اجتماعی و تاریخی گسترده‌تر، بهتر می‌تواند مورد ارزیابی قرار گرفته و زمینه را برای توسعه آن در آمریکای شمالی و به خصوص در کانادا فراهم آورد. رویکرد چند رشته‌ای ترویج شده توسط دانشگاه کنکوردیا و همچنین جامعه بزرگ دانشگاهیان علاقه‌مند به جنبه‌های مختلف فرهنگ ایرانی، این دانشگاه را به محیطی منحصر به فرد تبدیل نموده است که در آن می‌توان فرهنگ ایرانی را به شیوه‌های جدید، خلاق و هیجان انگیز کاوش نمود. ایجاد روابط پایدار با جوامع و موسسات ایرانی یکی اولویت‌ها برای موفقیت این پروژه قلمداد می‌شود.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی